



خیلواکی

استقلال

www.esteqtaal.net

۱۳ آگست، ۲۰۲۴

دوکتور نوراحمد خالدي

تراژیدی روشنفکر تاجیک

(یادداشت: این نوشته با توجه به کتاب "افغان و افغانستان" است که در ماه می ۲۰۲۴ توسط عبدالخالق لعلزاد در لندن منتشر شده و نویسنده از اینجانب تقاضای نقد کرده است.)

بعد از حادثه سقوط قندز بدست طالبان در سپتمبر سال ۲۰۱۵، لطیف پدram، یکی از نماینده گان ولایت بدخشان در ولسی جرگه، در یک مصاحبه تلویزیونی اظهار داشت که:

"... ما باید افغانستان را بطور رادیکال تغییر دهیم این تغییر رادیکال شامل تغییر در سمبولهایی است که بنام سمبولهای ملی در حقیقت اختیارات و خواسته های یک قوم را بر ما تحمیل کرده اند. این سمبولها شامل موضوعات زیادی است که حالا فرصت آن نیست اما همیشه پیشنهاد من این بوده که ما با استفاده از فرصت بتوانیم ساختار دولت را بشکنیم، ساختار چند صد ساله را بشکنیم، و یک جمهوری فدرال در افغانستان به وجود آوریم... من بارها با سران قومی طی دوازده سیزده سال صحبت کرده و گفته ام که فرصت را نباید از دست داد چون فردا ما شاید در موقعیتی قرار بگیریم که حتی نتوانیم طرح دادخواهی، طرح فدرالی و طرح درهم شکستن ساختارهای کوچک استبدادی را هم مطرح بکنیم. بناً پیشنهاد ما همیشه این بوده که بیایید بطور رادیکال عمل بکنیم و با استفاده از فرصتهای بین المللی که در اختیار ما است کار را یکطرفه بکنیم... بحت ما با سران اقوام مظلوم این است که این جا ما باید تصمیم بگیریم. این جا ما باید ایالاتیکه متعلق به اقوام دگر هستند در صورتیکه خطر جدی است باید نیروهای محلی ایجاد کنند، اعلان خودمختاری بکنند باید توجه جهان را بخود معطوف نماییم که در این کشور ستم ملی وجود داشته، انحصار طلبی ملی وجود داشته و جنوساید یا نسلکشی ملی وجود داشته و با آوردن نفوس یک قوم معین می خواهند ساختمان نفوس ولایات غیر پشتون را تغییر دهند و نسلکشی کنند و فردا ما فرصت دادخواهی

خواهیم داشت".^۱

احمد شاه مسعود نیز گفته بود

"در افغانستان قدرت در دو سه صد سال گذشته قبیله‌ای، فامیلی و ظالمانه بوده و حالا مردم مسلح هستند و ما هرگز نمی‌خواهیم مانند گذشته آن را قبول کنیم".^۲

مجیب الرحمن رحیمی سخنگوی عبدالله عبدالله رییس اجراییه دولت جمهوری نیز اظهار داشته بود که:

"هویت سیاسی افغانستان توسط استعمار شکل گرفته است". او می‌گوید "رقابت امپراطوری انگلستان و روسیه سبب ایجاد دولت حایلی شد که اسمش را گذاشتند افغانستان".^۳

در سال ۲۰۱۶ مجیب الرحمن رحیمی در مقام سخنگوی ریاست اجرائیه در همایش گفت‌وگوی فرهنگی ایران و افغانستان در دانشگاه علامه طباطبایی تهران به تلخی از ایجاد دولت افغانستان یاد کرده گفته بود که:

"ما در حوزه تمدنی فرهنگی مشترکی زندگی می‌کنیم... که یکی از تحولات مشترک در این حوزه آمدن استعمار است و با آمدن این استعمار مرزها شکل گرفته و دولتی شکل گرفت (اشاره به افغانستان-نویسنده) که برخاسته از فرهنگ ما نبود".^۴

در هر کشور دیگری همچو اظهارات ضد ملی توسط یک کارمند عالیمقام دولت در یک کشور خارجی سبب بازداشت و محاکمه شخص می‌گردید اما نه در دولت جمهوری دوسره افغانستان! همچنان مجیب الرحمن رحیمی وقتی بار اول در مقام رییس دفتر عبدالله عبدالله رییس اجراییه دولت جمهوری به هرات رفت از هرات به عنوان قلمرو ایران بزرگ نام گرفت. اخیراً یک شاعر تاجیک تبار به گفته خودش پنجشیری، بنام نجیب بارور نیز در تهران در حضور آیت الله خامنه‌یی پنجشیر و هندوکش را بخش شرقی ایران قلمداد کرد.^۵

نقل قولهای بالا گوشه‌ای از تبارز امروزی طرز دید سیاسی "ستمیها" می‌باشد. ظاهر بدخشی بنیانگذار اندیشه ستمیها موجودیت ستم ملی را در افغانستان، به مثابه ستم پشتونها بالای سائر اقوام، عمده ترین مضمون سیاسی زمان خود میدانست. در همین راستا این کتاب خالق لعلزاد نیز کوششی است مذبحانه تا با پیشکش کردن ده ها منبع وارد و غیر وارد روایت بالا را به زعم خود توجیح

^۱ لطیف پدram، مصاحبه تلویزیونی بعد از واقعه سقوط شهر قندز بدست طالبان در سال ۲۰۱۵

^۲ مراجعه شود به ویدیو کلیپ بدون تاریخ سخنرانی احمدشاه مسعود به شاگردان شورای نظری او در یوتیوب.

^۳ مجیب الرحمن رحیمی در مصاحبه با تلویزیون نور در گفتگوی باز در سال ۲۰۱۱م

^۴ مجیب الرحمن رحیمی، به گزارش اسپوتنیک افغانستان به نقل از خبرگزاری فارس، ۸ دسمبر ۲۰۱۶.

^۵ بی بی سی فارسی، ۹ فروردین ۱۴۰۳ - ۲۷ مارس ۲۰۲۴ او قبل از خواندن شعر خود خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای او را «رهبر تمام فارسی‌زبانان جهان» خواند و گفت: «من از دورترین نقطه ایران آمده‌ام، از قله‌های هندوکش و از پنجشیر. می‌خواستم غزلی کوتاه بخوانم اما چیزی را می‌خوانم شایسته شرف حضرت عالی باشد و بیانگر دیدگاه تاجیکانه ما پنجشیری‌ها».

^۶ در اشاره به نظریات و هواخواهان ظاهر بدخشی که در اواخر سالهای ۱۹۶۰ میلادی از جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق انشعاب نمود.

نموده ایجاد کشور افغانستان را ساخته و پرداخته استعمار انگلستان ثابت کند و بنیادهای هویت ملی مردم افغانستان را طوریکه در قوانین اساسی کشور از سال ۱۹۶۴ به اینطرف به اشتراک تمام رهبران قومی در لویه جرگه های عنعنوی کشور قوام یافته بود، متزلزل سازند. بر همین اساس کتاب مورد نظر خالق لعلزاد کوششی است در راستای بازنگری تاریخ افغانستان از دیدگاه هواخواهان دکتربین ستم ملی. تا جائیکه من اطلاع دارم، در عصر ما تأکید بر این روایت ضد ملی را بعد از تشکیل دولت جمهوری مجیب الرحمن رحیمی در مصاحبه با تلویزیون نور در گفتگوی بازدر سال ۲۰۱۱م^۷ بر پایه دکتربین ستم ملی طاهر بدخشی آغاز نمود.

این پروسه چگونه قوام یافت؟ با قدرت گرفتن شورای نظاریها در دولت بعد از مداخله نظامی سال ۲۰۰۱ امریکا در افغانستان و کانفرانس بن اول، یک روایت تاریخی و اجتماعی ضد افغان و افغانستان را برخی از فعالین سیاسی و اکادمیک، بخصوص افراد تاجیک تبار، برای اغوای جوانان همتبار خود تبلیغ میکنند که اساساً توسط احمدشاه مسعود در جریان سخنرانیهای تدریسی به کدرهای حزب جمعیت اسلامی و شورای نظار تهداب گذاری شده بود. یکی از این سخنرانیها احمدشاه مسعود تاجیکها را باشندگان اصلی این سرزمین قلمداد کرده پشتونها را بی فرهنگ می نامد.^۸ این طرز دید، تفکر سیاسی و روایت تاریخی در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴م افغانستان و بعد از آن به شکل جدی از طریق رسانه‌های راجستر شده کشور و رسانه‌های انترنیتی یا سوشیل میدیا وابسته و یا طرفدار به گروه‌های سیاسی که در اطراف شورای نظار حلقه زده اند، بطور گسترده شایع می‌گردد. این گروه‌ها شامل حزب جمعیت اسلامی، دسته‌هایی از جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق، افراد، اعضا و حامیان گروه سیاسی نام نهاد سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان (سازا) است که در جامعه به اسم "گروه ستم ملی" معروف می باشد. این گروه خودمختاری ولایات غیرپشتون‌نشین را تبلیغ می‌کنند و همچنین گروه‌هایی از فعالین سیاسی هزاره نیز خودمختاری هزاره جات یا به اصطلاح خودشان، هزارستان، را تبلیغ میکنند. هدف از این تبلیغات در حقیقت دادن پایه های تاریخی و اجتماعی و سیاسی به ادعاهایی است که لبه تیز آن متوجه تزلزل آنچه آن‌ها هویت سیاسی نشنلیم پشتون در وجود سمبول‌های دولت افغانستان می‌دانند، می‌باشد.

اینگونه برداشتها و روایات سبب ایجاد یک رخنه عمیق در سطح روشنفکری میان تاجیکها و

^۷ این مصاحبه و این روایت ضد افغانی چنان مطلوب عبدالله عبدالله قرار گرفت که بلادرنگ رحیمی را سخنگوی خود تعیین نموده بعد از تقرر در مقام رییس اجرائیه موصوف را به حیث رییس دفتر خود مقرر نمود.

^۸ مراجعه شود به خطابه احمد شاه مسعود به شاگردان خود (ویدیو کلب یوتیوب بدون تاریخ) [tajik #pashton #uzbek #kabul](#) @ketabistan #ahmadshahmasoud

پشتونها شده و کار بجایی کشیده که تعدادی از تاجیکها خیال تجزیه افغانستان را بسر می پروراندند.^۹

علل و شیوه های افغان و افغانستان ستیزی!

در بالا گفته شد که هدف این تبلیغات ضد افغان و ضد افغانستان در حقیقت دادن پایه های تاریخی و اجتماعی و سیاسی به ادعاهایی است که لبه تیز آن متوجه نیل به اهداف زیرین اند:

۱. تزلزل و ایجاد شک و تردید در هویت ملی مردم افغانستان؛
۲. شکستن سمبول های ملی مانند اسم کشور، بیرق ملی، موجودیت ملت افغانستان، افتخارات تاریخی کشور؛
۳. بدنام کردن شاهان و امیران کشور؛
۴. شکستن پایه های وحدت ملی با اشاعه خراسان طلبی؛ و در نهایت
۵. تخریب و سقوط دولت و کشور افغانستان می باشد.

سوال در اینجاست موضع گیری ضد ملی این افراد از کجا سرچشمه می گیرد؟ جواب ساده آن است که این عناصر روایت ایرانی از ایجاد کشور افغانستان را تکرار میکنند.

حقیقت آن است که ایجاد و دوام کشور و دولت افغانستان با هویت مستقل افغانی آن که عمدتاً متکی بر اسلام حنفی و فرهنگ افغانی متشکل از عناصر پشتونولی و فرهنگ دری خراسانی است، نه تنها با آرمان های ناسیونالیزم ایران بزرگ در تضاد قرار دارد بلکه مانعی در راه بسر رسیدن آرمان ها و اهداف سیاسی آن نیز می باشد. اگر تغییر موجودیت دولت افغانستان در شرایط جهان معاصر برای ایرانیها مقدور نیست، آنها به کمک مستقیم عمال خود و کمک غیر مستقیم ستمیها، شورای نظاریها، و تنظیمهای جهادی هزاره شیعی که از ایران کمک پولی، نظامی، تعلیمی و تبلیغاتی میشوند در صدد تغییر هویت دولت افغانستان به نفع ستراتژیک خود هستند. آنها این کار را از طریق یک هجوم گسترده فرهنگی انجام میدهند.

روایت ایرانی تاریخ افغانستان چگونه است؟

ایرانی ها تا امروز به حسرت از جدایی افغانستان از ایران یاد می کنند و هیچ ایرانی را به یاد ندارم که افغانستان را بخش جدا شده از پیکر ایران نداند. خصومت و عناد ایران پرستان وطنی ما با «میرویس نیکه و احمد شاه ابدالی» بانیان دولت افغانستان نیز در همین حسرت نهفته است. ایران پرستان وطنی ما به توهین و تحقیر این شخصیت های ملی که برخی از سمبول های ملی ما را می سازند، پرداخته اند. اخیراً جعلیاتی را در این که میرویس خان پشتون نبوده منتشر ساخته و پیهم از دولت های هوتکی و ابدالی بخاطر جهانگشایی های آن ها در فارس و هندوستان انتقاد

^۹ به مناظره تلویزیونی هارون سمرقندی با دوکتور خالدی در برنامه رزاق مأمون ۳۱ دسمبر ۲۰۲۱ مراجعه شود.

می‌کنند.

مؤرخین ناسیونالیست ایرانی سرزمین افغانستان امروزی را شامل قلمروهای شرقی ایران بزرگ دانسته و موجودیت کشور و دولت مستقل افغانستان را ناشی از بازی‌های استعمار انگلستان در قرن نوزدهم دانسته و معتقد اند که افغانستان در سال ۱۸۵۷م بعد از عقد معاهده پاریس میان انگلستان و دولت قاجاری فارس از پیکر ایران جدا گردید چون انگلیس‌ها با امضای این معاهده از دولت فارس تعهد گرفتند که از هرگونه ادعای ارضی بالای افغانستان صرف‌نظر نموده استقلال آن را به رسمیت بشناسند. این همان مطلبی است که خالق لعلزاد در پیشگفتار کتاب خود بر آن تأکید دارد.

حقیقت آن است که دولت فارس ۱۱۰ سال قبل از سال ۱۸۵۷ تسلط خود را بالای سرزمین‌های افغانستان از دست داده بود و این کشور بصورت مستقل توسط دولت‌های بومی خودش اداره می‌گردید و دولت استعماری انگلستان هیچ نفوذی بالای این کشور نداشت و در حقیقت اولین اقدام انگلیس‌ها برای تحت تسلط آوردن این کشور در سال‌های ۱۸۳۸-۱۸۴۲م که به عنوان اولین جنگ افغان و انگلیس معروف است با شکست فاحشی روبرو گردید و صرف یک افسر انگلیسی داکتر برآیدن از این کشور جان سالم به در برد. این که انگلیس‌ها ۲۰ سال بعد از آن کوشیدند دست ایرانی‌ها را از افغانستان دور نگه‌دارند ناشی از نگرانی آن‌ها از پلان‌های جهان‌گشایی روسیه تزاری بود که با تباری با دولت فارس کوشیدند شهر هرات را اشغال کنند و خود را به نزدیکی سرحدات هند برطانوی برسانند. فارس‌ها بعد از یکسال محاصره هرات نتوانستند این شهر را فتح کنند و مجبور به عقب‌نشینی شده حمله سه‌گشتی انگلیسی را به بندر بوشهر بهانه شکست خود آوردند. در حالیکه انگلیس‌ها در آن زمان هیچ نفوذی بالای دولت افغانستان نداشته، بجز از موجودیت یک جاسوس انگلیسی الاصل در هرات، هیچ نماینده در این کشور نداشتند.

ایران پرستان وطنی، از جمله خالق لعلزاد، به سلسله کوشش برای تخریب تاریخ این کشور تاریخ افغانستان را از امیر عبدالرحمن خان به بعد بیان می‌کنند. چرا؟ برای اینکه اگر تاریخ افغانستان را از زمان میرویس خان هوتکی و یا احمد شاه ابدالی قبول کنند، طوریکه مؤرخ مشهور انگلیسی جان اتان لی بیان می‌کند،^{۱۰} در آنصورت نمی‌توانند بگویند دولت و کشور افغانستان را استعمار انگلستان از پیکر ایران جدا ساخته است! برای آن که در سال ۱۷۰۹م در زمان قیام موفقانه میرویس خان هوتکی بر ضد صفویها و در سال ۱۷۴۷م زمانی که احمد شاه ابدالی کشور و دولت مستقل را در این سرزمین اعلان کرد، هنوز استعمار انگلیس در هندوستان شکل نگرفته بود.

^{۱۰} جان اتان لی، تاریخ افغانستان از سال ۱۲۶۰ تا امروز، لندن ۲۰۱۸، ۲۰۲۲.

در ایران در سه صد سال گذشته هویت های غیر "فارسی" از نظر فرهنگی به شدت سرکوب شده اند. امروز در ایران هویت های قومی ترکی، عرب، کرد و غیره هیچ تبارز رسمی فرهنگی ندارند. در حالی که در افغانستان در سه صد سال گذشته با وجود حاکمیت رسمی اقوام پشتون، زبان دری به عنوان زبان پیوند دهنده اقوام کشور رسماً حاکم بوده است و زبان پشتو بالای سایر اقوام تحمیل نشده است.

بعضی ها می گویند در افغانستان هویت اتنیک به مفهوم اروپایی آن وجود ندارد. یعنی چه؟ در هر کشور اروپایی اتنیک ها یا اقوام متنوعی زنده گی می کنند. در انگلستان انگلیس ها، اسکاتلندی ها، ویلش و ایرش زنده گی می کنند که هر کدام از لحاظ فرهنگی گذشته خود را دارند و هیچ تفاوتی با پشتون، تاجک، هزاره و اوزبک در افغانستان از لحاظ تنوع فرهنگی خویش ندارند. همانگونه بلجیم، سوئیس، اسپانیه و غیره ...

جالب است که در طول سه صد سال در افغانستان کدام جنبش جدی جدایی طلبی وجود نداشته در حالی که همین سال گذشته در انگلستان اسکاتلندی ها برای جدایی ریفاندوم کردند و در اسپانیه باسک و کاتالونیا استقلال می خواهند.

حالا بعضی ها می گویند در افغانستان ملت ساخته نشده در حالی که ساخته شده و از آزمون زمان هم پیروز بدر شده متأسفانه این افراد خبر ندارند و یا نمی توانند قبول کنند.

منافع اقوام این کشور با وجود تمام اختلافات در اتحاد ملی شان در حدود جغرافیایی افغانستان می باشد. تاریخ گواه است که با تجاوز بیگانگان بر این سرزمین، تمام اقوام آن اعم از پشتون و غیر پشتون یک دل و یک جان باهم از یکپارچگی و استقلال خانه مشترک شان افغانستان دفاع کرده اند. متأسفانه سیاست های نفاق افگانه بخصوص در زمان جهادی ها و طالبان از قوام همبستگی ملی کشور جلوگیری کرد و نگذاشت کشور در عرصه های متعدد منجمله تکامل اقوام آن به ملت واحد با منافع مشترک به جلو رود.

یکی از دوستان فیسبوکی، آقای فرید بهمن، می نویسد: "مبارزین و زبده مردان/ زنان زیاد از زمان شکل گیری دولت- ملت افغانستان- و ساختار سیاسی مدرن تا امروز در این مرز و بوم که نامش شناخته شده اش در سطح بین المللی شناخته شده است - خوب یا بد - گذشته است اما هیچ کدام نگفته اند "من افغان نیستم": مشروطه خواهان اول و دوم، مبارزین دوران تجدد خواهی امانی، مبارزین ضد استبداد نادری، مبارزین ضد استبداد هاشم خانی، فرهنگیان، هنرمندان، نخبگان، بیروکرات ها، رهبران احزاب و تنظیم های کودتایی، جهادی و مبارز، ببرک، سلطان علی کشتند، فرید مزدک، دستگیر پنجشیری، ربانی، مسعود، دوستم، بدخشی، باعث، مزاری، اکبری، خلیلی، محقق، عبدالله، فهیم و غیره هیچکدام نگفته بودند "من افغان نیستم".

تنها لطیف پدرام و عناصر مانند او و جمهوری سکوتی‌ها تبار نفرت هزاره گی لقمه گنبدیده "من افغان نیستم" را نوشخوار می‌کنند. باقی جوان های احساساتی و کم مطالعه و بی خبر از دینامیزم تاریخی فقط به خاطر نشان "حضور" شان در رسانه‌های مجازی "من افغان نیستم" را بلغوز می‌کنند. در این میان این تیشه‌های فاجعه آفرین فاشیست های پشتون و هزاره و تاجیک که در خدمت مافیای قدرت و طالبانیزم استند دسته پیدا می‌کند."

لعزاد چهره شناخته شده ضد افغان، ضد پشتون و ضد افغانستان برای جامعه روشن فکر پشتون است. هرگاه هزار صفحه بیشتر مملو از دلایل برای تحقیر و توهین بیشتر پشتونها و تاریخ آنها به کتاب خود افزود نماید هیچ فرد پشتون حاضر نخواهد بود این کتاب را ورق زند. لعزاد خود این را میداند و این کتاب را هم برای استفاده قوم پشتون نوشته نکرده بلکه مشتریان و خریداران هجویات او جوانان و روشن فکر تاجیک است تا برای پیشداوریهای خود در مورد فرهنگ پشتونها و برای اندوختن بیشتر بار نفرت قومی در برابر پشتونها یک مرجع و مؤخذ اکادمیک داشته باشند. با آنکه به سختی میتوان نوشته یک تکنیشن ذغال سنگ از اتحاد شوروی را یک اثر تاریخی اکادمیک قلمداد کرد!

تراژدی روشن فکران تاجیک که در دام عنکبوت دکترین "ستم ملی" گیر افتاده اند در آن است که پیشینی لطیف پدرام، این سپهسالار لشکر ستمیها که گفته بود "فرصت را نباید از دست داد چون فردا ما شاید در موقعیتی قرار بگیریم که حتی نتوانیم طرح دادخواهی، طرح فدرالی و طرح درهم شکستن ساختارهای کوچک استبدادی را هم مطرح بکنیم. بنأ پیشنهاد ما همیشه این بوده که بیابید بطور رادیکال عمل بکنیم و با استفاده از فرصتهای بین المللی که در اختیار ما است کار را یکطرفه بکنیم" با شعارهای ناشیانه "من افغان نیستم"، "وطن من خراسان است"، به حقیقت پیوسته است.

روشن فکران افتیده در دام عنکبوت اندیشه های ستمی، باتکیه به ناسیونالیزم ایرانی در پشتون ستیزی، افغان ستیزی، دری ستیزی و در نهایت مانند خالق لعزاد، در افغانستان ستیزی تاحدی جلو رفتند که با طرد "هویت افغان" در سطح جهانی به آدمهای بی هویت بی وطن و بی دولت مبدل شده اند. در حالیکه ایجاد و دوام کشور و دولت افغانستان با هویت مستقل افغانی آن که عمدتاً متکی بر اسلام حنفی و فرهنگ افغانی متشکل از عناصر پشتونولی و فرهنگ دری خراسانی است. اینکه لطیف پدرامها و خالق لعزادها هویت افغانی را هویت پشتون تعبیر کنند چیزی را تغییر نمی دهد. ارزشها و هویت ملی هر کشوری در جهان امروز از هویت و ارزشهای بزرگترین

کتنه قومی نفوس آن متأثر میباشد. به گفته ان کولتر^{۱۱} در مناظره با ویویک راماسوامی یکی از کاندیدان امسال ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه، ناسیونالیزم حاکم در جامعه و دولت امریکا مبتنی بر **هویت ملی واسپ** WASP است که متشکل از سه عنصر میباشد: (White) سفید پوست، (Anglo-Saxon) انگلوساکسون و دین (Protestant) پروتستان^{۱۲}. بیجهت نیست که این سه عنصر هویت ملی چهار کشور امریکا، انگلستان، استرالیا و نیوزیلند را تشکیل داده و این چهار کشور زیر رهبری امریکا در تمامی مسایل سیاست خارجی موقف مشترک دارند، چه موضوع اسرائیل و فلسطینها باشد، چه جنگ اوکراین و چه کوشش برای مهار کردن پیشرفت اقتصادی چین و نفوذ روز افزون آن در جهان.

این بدان معنی نیست که امریکا مهاجرین سائر اقوام و ادیان را نمی پذیرد و یا افراد وابسته به سایر اقوام، نژادها و ادیان به مقامات دولتی بالا در امریکا گمارده نمی شوند. چرا گمارده میشوند به شرط اینکه این هویت ملی حاکم (واسپ) کشور امریکا را مورد سوال قرار ندهند! با طرف سوال قرار دادن عناصر هویت ملی افغانستان، روشنفکران ستمی تاجک درز عمیقی میان خود و پشتونها ایجاد کردند و با خراسان خواهی غیر عملی و بی لزوم، وطن افغانستان را از دست دادند. برای مقابله با این تراژدی، روشنفکر تاجیک یک راه در مقابل دارد: آزاد شدن از دام عنکبوت تفکر و روایت ستمیها و برگشت به آغوش ملت افغانستان.

مأخذ و منابع

۱. اولیور روی، اسلام و مقاومت در افغانستان، متن انگلیسی، چاپ دوم، یونیورسیتی کمبریج، ۱۹۹۰م
۲. اولیور روی اسلام و نوگرایی سیاسی در افغانستان، ترجمه ابوالحسن سروقد، سال ۱۳۶۹، ص ۳۱
۳. بابرنامه، خاطرات ظهیرالدین محمد بابر پادشاه غازی، ترجمه انگلیسی از روی متن ترکی توسط انت سوزانا بیوریج، لندن سال ۱۹۲۲م.
۴. بی بی سی فارسی، میزگرد پرگار درباره آریاییها
۵. پرویز مشرف، ۲۰۱۳م، به نقل از آیشیا وتمیر، What Went Wrong in Afghanistan، ژورنال فارن پالیسی.

^{۱۱} Ann Hart Coulter is an American conservative media pundit, author, syndicated columnist, and lawyer. She became known as a media pundit in the late ۱۹۹۰s, appearing in print and on cable news as an outspoken critic of the Clinton administration.

^{۱۲} Ann Coulter vs Vivek Ramaswamy, Defiant Lawyers, Augustus Corbett, June ۲۰۲۴, YouTube.

۶. محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، چاپ چهارم، تهران ۱۳۵۳ ه. ش.
۷. توزک بابری ص ۲۷۱، چاپ بمبئی.
۸. توماس بارفیلد "تاریخ فرهنگی و سیاسی افغانستان".
۹. توماس بارفیلد "تاریخ فرهنگی و سیاسی افغانستان"، چاپ یونیورسیتی پرنستون، ۲۰۱۰ م.
۱۰. جلال بایانی. ۲۵-۰۸-۲۰۱۵ Larawbar.com
۱۱. جورج فورستر، "یک سفر از بنگال به انگلستان از طریق قسمت‌های شمال هندوستان، کشمیر، افغانستان و فارس به روسیه از طریق بحیره کسپین، لندن، ۱۷۹۸ م.
۱۲. چنگیز پهلوان، کتاب "شعراى معاصر افغانستان" چاپ تهران. ۱۳۷۱.
۱۳. حامد نوید، آریانا افغانستان آنلاین، ریشه یابی کلمه افغان، ۲۷/۲/۲۰۱۸ م
۱۴. خطابه احمد شاه مسعود به شاگردان خود (ویدیو کلب بدون تاریخ)
۱۵. داریره المعارف بریتانیکا، ۱۹۱۴ م
۱۶. رزاق مامون. "کابل پرس" یکشنبه ۲۶ جون ۲۰۱۱ م.
۱۷. رزاق مامون، "تقدیم به حبیب الله، نخستین خط شکن پس از هزار سال"، شنبه ۱۳ سنبله ۱۳۹۵ هجری شمسی سایت انترنتی "گزارش نامه افغانستان".
۱۸. روزنامه اکسپرس تریبیون پاکستان
۱۹. ریچارد ارمیتاژ، ۲۰۱۳ Sep ۱۸, FP, انترویو
۲۰. ژورنال پلوس یل، Plus One دانشمندان پوهنتون پورت سموث انگلستان، هشتم مارچ سال ۲۰۱۲ م
۲۱. سر جان ملکم، تاریخ ایران لندن، ۱۸۱۵ م، جلد اول
۲۲. سفرنامه ابن بطوطه (که در سال ۷۵۴ هجری قمری پایان یافت و در مجموع ۲۹ سال و نیم به طول انجامید. این سفرنامه به ۴۰ زبان ترجمه شده است)
۲۳. سیف فاضل (فیسبوک) ۲۰۱۸ م.
۲۴. صاحبنظر مرادی جریده انترنتی "خراسان زمین چاپ ۲۸ قوس ۱۳۹۰ ه. ش
۲۵. عبدالحمید مبارز، مصاحبه با تلویزیون نور در گفتگوی باز، ۲۰۱۱ م
۲۶. عبدالحی حبیبی، تاریخ مختصر افغانستان، چ. سوم ۱۳۷۷ ه. ش دانش کتابخانه پیشاور
۲۷. عبدالحی حبیبی Abdul Hai, Khaljies are Afghan, Pashtun, Habibi, Forums, ۲۰۱۳-۲۲-۰۷, <http://www.pashtunforums.com/pashtun->

۲۸. عبدالحی خراسانی (مقالات نشر شده در فیسبوک)
۲۹. غیاث آبادی، رادیو فرانسه بخش فارسی.
۳۰. فیض محمد کاتب، سراج التواریخ: ۱۳۳۱ شمسی، طبع دارالسلطنه کابل.
۳۱. کابل پرس، تجزیه افغانستان، جون ۲۰۱۱.
۳۲. کابل پرس، نتایج پرسش در مورد تجزیه افغانستان، ۲۰ سپتمبر ۲۰۱۳م.
۳۳. کتاب خاطرات امیر عبدالرحمن خان
۳۴. کلونل رالف پیتر. نقشه شرق میانه نو، MAP OF THE NEW MIDDLE EAST
Ralph Peters ۲۰۰۶ Lit-Colonel
۳۵. لطیف پدرام مصاحبه ویدیویی بعد از واقعه سقوط شهر قندز-۲۰۱۵م
۳۶. لطیف پدرام، مصاحبه با بی بی سی فارسی، میزگرد پرگار تلویزیون فارسی بی بی سی درباره ایرانیان و افغانی‌ها ۲۰۱۳م.
۳۷. لهکارت، انقراض سلسله صفویه نوشته لکهارت
۳۸. مجیب الرحمن رحیمی، مصاحبه با تلویزیون نور در گفتگوی باز، ۲۰۱۱م
۳۹. مجیب مهرداد، روزنامه هشت صبح، پنجشنبه، ۱۹ جدی ۱۳۹۸.
۴۰. محبوب الله کوشانی به نقل از دستگیر پنجشیری، وبسایت آریائی، هفتم ثور ۱۳۸۲ مطابق ۲۷ اپریل ۲۰۰۳ میلادی.
۴۱. محبوب الله کوشانی، سخنرانی ایکه بمناسبت بیستمین سالگرد شهادت م ط بدخشی در دوشنبه مرکز تاجیکستان
۴۲. محمد ابراهیم عطایی، نگاهی به تاریخ معاصر افغانستان، مترجم: جمیل الرحمن کامگار بنگاه انتشارات میوند، چ. اول ۱۳۸۳ ه.ش.
۴۳. محمد احمد پناهی سمنانی. شاه سلطان حسین صفوی تراژدی ناتوانی حکومت. چاپ اول. انتشارات کتاب نمونه، ۱۳۷۴.
۴۴. محمد اکرام اندیشمند، " کابل پرس"، تاجیک‌ها و زبان فارسی دری؛ بازنده اصلی نظام فدرالی در افغانستان پانزدهم مارچ سال ۲۰۱۲م
۴۵. محمد سعیدی، هزارستان از اقتدار تا افتخار، (سایت انترنتی -http://urozgan.org/fa- /AF/article/۸۲۸۴).
۴۶. محمد سعیدی، "هزارستان، از اقتدار تا افتخار" هزاره پیوند

۴۷. محمد محقق، شفقنا، دوشنبه، ۱۸ اسفند ۱۳۹۳ (www.shafaqna.com/persian)
۴۸. محمد مهدی، دانشنامه آریانا، اینترنت (http://database-aryana-encyclopaedia.blogspot.com.au/p/blog-page_۱۰.html)
۴۹. محمد نظیف شهرانی، خراسان زمین، ۲۱ جدی ۱۳۹۲.
۵۰. مصاحبه جنرال پرویز مشرف رییس جمهور اسبق پاکستان با تلویزیون طلوع، ۲۰۱۶م.
۵۱. مصاحبه ویدیویی لطیف پدram با تلویزیون فارسی بی بی سی-۲۰۱۴م
۵۲. مقایسه تاریخ هندوستان و اندونیزیا. مجموعه مقالات، بلوسه و ان بوت، نیویارک ۱۹۷۸، ص
۵۳. مونستوارت الفنستون "گزارش پادشاهی کابل و توابع آن در تارتاری، فارس و هندوستان"، در دو جلد به زبان انگلیسی، چاپ لندن، ۱۸۴۲م
۵۴. میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد اول، صحافی احسانی، قم ۱۳۷۵ شمسی
۵۵. میر غلام محمد غبار، احمدشاه بابا، دانش کتابخانه، چاپ دوم، پیشاور ۱۳۷۶ شمسی
۵۶. میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد اول، انتشارات محمودفای، چاپ دوم قم ۱۳۷۴ شمسی.
۵۷. نک کنگ رهبر حزب لیبرال دموکرات و معاون صدراعظم بریتانیا سپتمبر سال ۲۰۰۹ در روزنامه گاردین، پلان B
۵۸. نادر شاه افشار، وبسایت تمدن ما (tamadonema.ir)
۵۹. نور احمد خالیدی، "نتایج انتخابات دور اول ریاست جمهوری از تقسیم آرا بر اساس خطوط قومی حکایت می کند" فیسبوک، ۲۷ اپریل ۲۰۱۴م.
۶۰. هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ۱۳۷۵ تهران ص ۶۳.
۶۱. وبسایت مشعل Popal Karim, http://mashal.org/blog, Mashal.org/نژاد-وملی های-افغانستان/
۶۲. وبسایت انگلیسی گندهارا تاریخ ۱۱ اپریل ۲۰۱۸
۶۳. ی ای بوسورث، دایرة المعارف ایرانیکا، ۲۰۱۲
۶۴. Ann Coulter vs Vivek Ramaswamy, Defiant Lawyers, Augustus Corbett, June ۲۰۲۴, YouTube.
- ۶۵.